

## «روزی روزگاری» را پسندیدند، اما این کار به همراه سریال بعدی کارگردانش یعنی «تفنگ سرپر» بایکوت شد

سریال فاخر و ماندگار روزی روزگاری از جمله آثاری است که به نظر می‌رسد با گذشت بیش از سه دهه پخش از تلویزیون ایران و استقبال گسترده مردم با نوعی بی‌اعتنایی عجیب از سوی محافل شبه روشنفکری مواجه بوده و شده آنچه‌ان که باید قدر و ارج آن شناخته نشود. چطور می‌شود که سریالی به نام «روزی روزگاری» ساخته می‌شود و بعد از گذشت این همه سال از ساخت آن در محافل ادبی و علوم انسانی در موردش صحبتی نمی‌شود.

نشست نقد و بررسی کتاب «سکه تقدیر» که تحلیلی بر سریال «روزی روزگاری» است با حضور محمداصق کوشکی، استاد دانشگاه تهران، منتقد و نعمت‌الله سعیدی، به‌عنوان نویسنده کتاب و با اجرای میثم رشیدی در محل کتابفروشی «پهنشهر» برگزار شد و به جنبه‌های مختلف این کتاب و سریال روزی روزگاری پرداخت که مباحث مطرح شده در این باره به دلیل تاگی‌سی قابل تأمل بوده و در نوع خود جالب توجه است.

ادای حق روزی روزگاری سخت است

سعیدی در ابتدای این نشست در پاسخ به چرایی نوشتن کتاب درباره سریال تلویزیونی «روزی روزگاری» گفت: «سعی کردم که در مقدمه این کتاب مقداری به این سوال پاسخ دهم. تیتز مطلب هم اینگونه می‌شود که برای اینکه از آن نویسم، دنبال انگیزه می‌گشتم؛ چراکه فکر می‌کردم که چه دلیلی دارد درباره یک سریال موفق و از همه مهم‌تر در دست، ننویسم.»

وی افزود: «ببینید قوی بودن یک سریال، یک موضوع و مسئله است و اینکه مبانی الفبای روایی آن و نوع جنس کار درست باشد، موضوع دیگری است. زیرا اگر از کاری با این اهمیت و ارزش صحبت نشود، حیف است و اگر بنا باشد در این مورد حرفی زده شود، باید به این موضوع بپردازیم که چطور می‌شود که سریالی به نام «روزی روزگاری» ساخته می‌شود و بعد از گذشت ۲۰سال از ساخت آن در محافل ادبی و علوم انسانی در موردش صحبتی نمی‌شود. زمانی که سریال «روزی روزگاری» پخش می‌شد مخاطبان به خاطر دارند که خیابان‌ها خلوت میشد و به دلیل مختلف، این سریال، اثری ماندگار بود. جانشینان مهم‌ترین خالق آن، ملامهرانا تا قصه و داستان موارد بسیاری داشت که ماندگار و تأثیر گذار بود.» به گفته سعیدی از زمانی که وارد عرصه نقد سینما شدم همیشه در ذهنم بود که به این کار بپردازم، منتها اولین مشکل، این بود که این سریال، اثری نبود که بتوان حق آن را در یک مقاله ادا کرد. اگر همت بچه‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگ انقلاب نبود و ضرورت انجام چنین کاری را تشخیص نمی‌دادند، شاید این کتاب هنوز هم نوشته نشده بود.

**روزی روزگاری و کارگردانش بایکوت شدند**

محمداصق کوشکی، استاد دانشگاه تهران نیز درباره ویژگی‌های کتاب «سکه تقدیر» گفت: «به‌عنوان مهم‌ترین حسن کار آقای سعیدی، به این موضوع اشاره می‌کنم که ایشان تلاش کردند که به یک کار بر زمین مانده و فراموش شده، بپردازند. با وجود اینکه مردم، «روزی روزگاری» را پسندیدند، این کار بایکوت شد. البته نه فقط سریال «روزی روزگاری»، بلکه «تفنگ سرپر» امرالله احمدجو هم بایکوت شد. مقدمه این دو سریال که اثر سینمایی «شاخه‌های بید» بود، نیز ناپایده گرفته شد. امرالله احمدجو با ساخت این سه کار، چند جرم جدی را مرتکب شد. برای

## فرهنگی

# چرا «روزی روزگاری» شاهکار است؟

با وجود اینکه مردم «روزی روزگاری» را پسندیدند، اما این کار به همراه سریال بعدی کارگردانش یعنی «تفنگ سرپر» بایکوت شد



همین جامعه روشنفکری، رسانه‌ها و آنهایی که به نوعی به همه رشته‌های فرهنگی و هنری کشور، به دست‌های ناباک آنها می‌رسد، سعی کردند تا احمدجو را بایکوت ظالمانه‌ای از جنس ندیدن کنند.» این استاد دانشگاه ادامه داد: «مهم‌ترین حسن کتاب آقای سعیدی این است که این بایکوت و استبداد فرهنگی رسانه‌ای را بشکند و این فضا را مقداری متفاوت کند. این بایکوت برای شخص امرالله احمدجو به‌عنوان نویسنده و کارگردان و تفکر او بود. جرائم او از نظر روشنفکران چه بود؟ نخستین مورد این بود که «روزی روزگاری» متعهد بود و بی‌سرنجام نیست. در واقع نویسنده و کارگردان این کارها یعنی سریال «روزی روزگاری» و کار تکامل یافته‌تر از آن، یعنی سریال «تفنگ سرپر» تعهد دارد. یعنی یک اعتدالی دارد که این اعتقاد برای او روشن و واضح است و از قضای روزگار، این تعهد و این اعتقاد در راستای انقلاب اسلامی و با همان شعارها، آرمان‌ها و ارزش‌هاست، ضمن اینکه قالب هنری دارد و قصه گو است. صاحب سبک است و تقلید به خصوص تقلیدی از هالیوود نیست، بلکه سعی می‌کند که براساس هنر ایرانی، سینما را به شعر تبدیل کند.»

**سریالی که هویت و اصالت داشت**
محمداصق کوشکی عنوان کرد: «چرم دوم «روزی روزگاری» این بود که هویت و اصالت داشت و ایرانی بود، اما نه آن ایرانی که فرج پهلوی

و جوجه‌های فرج پهلوی در فضای روشنفکری می‌سهندند. آنها روایت لس آنجلسی «پرونی» را می‌پسندند، نکته «روزی روزگاری» این است که می‌آید اصالت و هویت واقعی ایرانی را نشان

می‌دهد و به همین خاطر هر گوشه از داستان، نشانه‌ها و وسیله‌های استفاده شده در آن، ملامهرانا، واقعی دارد؛ یعنی از گوش‌های مختلف ایرانی، جغرافیا، پوشش‌ها، آداب و رسوم، ابزارها و حتی موسیقی داخل آن واقعی است، این کار به هیچ کجای ایران تعلق نرود، اما کاملاً ایرانی می‌تواند یک کار گردانی رانمی‌شناسم که به این جامعیت به ایران، آدای تعهد کرده باشد. آن هم، آن فرهنگ واقعی ایرانی که واقعیت ایران ما بود و است، اما این کار، جرم کمی نبود به همین خاطر کار آقای احمدجو بایکوت شد.

**تصویری واقعی از تاریخ ایران**
این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: «روزی روزگاری» بخشی از هویت و اصالت حاکم بر ایران را از دستبرد ناپودی و فراموشی حفظ کرده است. حتی اگر بخواهیم از لحاظ جامعه‌شناسی سینما به این کار نگاه کنیم اگر مخاطبان مثلاً در ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال بعد، این کار را ببینند، می‌توانند یک تصویر واقعی از هویت و اصالت فرهنگ ایرانی که واقعاً وجود داشته، ببینند؛ نه آن ایرانی قلابی که در «هزارستان» خلق شده البته آقای حاتمی ممکن است بگوید که من برداشت خودم را داشتم که من هم از او تشکر می‌کنم، البته علی حاتمی چند جا هم گفته است که آن ایرانی که من از قاجار و عصر پهلوی نشان می‌دهم، واقعی نیست. اما سریال «روزی روزگاری» می‌آید و ایرانی واقعی را به تصویر می‌کشد. چرا؟! چون امرالله احمدجو سواد آن را داشته و مردم‌شناسی آن را انجام داده است. حتی در سریال، ابزاری که با آن بوته و سوخت جمع می‌کنند، درست و سر جای خودش است.»

کوشکی یادآور شد: «این کار به این جرائم و چند جرم دیگر هم اضافه کرد تا بایکوت شود و اینکه نخواست در گرداب روشنفکری غلت بزند که اگر احمدجو گوشه چشمی به سمت روشنفکری نشان می‌داد، جریان روشنفکری او را خدای سینمای ایران می‌کردند.»

**امرالله احمدجو اهل ذوق و قلم است**
در بخش دیگری از این نشست سعیدی، نویسنده کتاب «سکه تقدیر» در سخنانی درباره امرالله احمدجو، کارگردان سریال «روزی روزگاری» گفت: «بهترین تعریف از یک هنرمند، همان کارهایی است که خلق کرده است. معرفی امرالله احمدجو با «روزی روزگاری»، «تفنگ سرپر» و همچنین «بشت کوه‌های بلند» میسر است، اما اگر اجمالاً اشاره کنم، او یک نویسنده با ذوق و به معنای واقعی کلمه هنرمند ایرانی است. یادمان باشد که او فردی اهل قلم و همچنین طنزپرداز بسیار خوبی هم است، احمدجو اگر فیلم نمی‌ساخت قطعاً می‌توانست در عرصه طنز و کارهای سینمایی طنز، نویسنده موفقی باشد.»

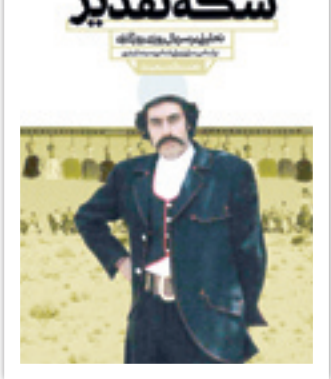
این نویسنده ادامه داد: «باید بگویم که سریال «روزی روزگاری» او، نه تنها تعهد به خود، بلکه تعهد به هنر است. احمدجو در «روزی روزگاری» برای اینکه مطلب خاصی هم است، پیام واضح و راه کار الصاق نمی‌کند، بلکه آن پیام و محتوا، دلیل روایت آن کار است. در واقع، همانقدر که او هنرمند است، به روایت خود هم علاقه دارد. حرف من این است که چرا عموم مردم، این کتاب را مقدرای ویژه خواندند؟ ای کاش، این کتاب مقداری ساده‌تر و روان‌تر بود. ای کاش این کتاب به روایت «خاله لیلیا» بود. خاله لیلیاظوری حرف می‌زند که هم فلافله و هم مردم عادی متوجه می‌شوند. این کتاب، مقداری ویژه افراد بسواد زیاد نوشته شده است.»

**قدردانی از هنر مند اصیل**
کوشکی با اشاره به کتاب «سکه تقدیر» تصریح کرد: «مهم‌ترین کاری که آقای سعیدی در کتاب دیدند که ضعف‌های آن را هم می‌پوشاند این است که اگر یک روز، یک پژوهشگر منتضفی باید و بگوید که چنین مجموعه تلویزیونی ساخته و پخش شده است، آیا سازنده آن تقدیر کردید؟

کتاب آقای سعیدی، حداقل ما را از شرمندگی درمی‌آورد که قدر یک هنرمند اصیل ایرانی را دانستیم.»

## د

امرالله احمدجو با ساخت این سه کار، چند جرم جدی را مرتکب شد. برای همین جامعه روشنفکری، رسانه‌ها و آنهایی که به نوعی همه ر شسته‌های فرهنگی و هنری کشور، به دست‌های آنها می‌رسد، سعی کردند تا احمدجو را بایکوت کنند ظالمانه‌ای از جنس ندیدن کنند



را هم داشته باشیم، اما چرا این اتفاق نمی‌افتد، چون آن ادبیات که آن را تعریف کند، وجود ندارد.
■ **روزی روزگاری» هم شاهکار است، هم مهم**

این نویسنده تصریح کرد: «هنگر این نیستم که کتاب ایرادهایی دارد. یکی از ویژگی‌های قلم من این است که زیاد، توضیح می‌دهم، این کتاب هم حاشیه‌های زیادی دارد، اما از این نظر اگر بخواهیم با یک مثال بیان کنم، باید بگویم که گاهی اوقات یک کار شاهکار و یک کار مهم است و سریال «روزی روزگاری» به غیر از اینکه شاهکار است، یک کار مهم هم است، زیرا این سریال می‌آید و به مقطعی می‌پردازد که بسیار برای ما اهمیت دارد.» وی ادامه داد: «ببینید امریکا یا سینمای وسترن برای خودش تاریخ ساخته است، اما ما با این همه تاریخ بزرگ و شکوهمند و اینکه یکی از مدعیان شروع تمدن هستیم، اما برای مخاطب ایرانی، تاریخ ۲ هزار سال با هزار سال یا ۵۰۰ سال با ۱۰۰ سال پیش فرقی نمی‌کند. این سریال آمده به مقطعی پرداخته که در آن، حوزه تمدنی ایران در حال برخورد با حوزه تمدنی دیگری است.»
روزی روزگاری» یک نوع وسترن ایرانی است که ویژگی‌ها و تاریخ یک مقطع زمان را بیان کرده است. البته خود این اصطلاح وسترن مشکل دارد و نارساست و بیشتر به حوزه فرهنگ غرب نزدیک است.»

کوشکی درباره این سخنان سعیدی گفت: «من اینگونه بیان می‌کنم که سریال «روزی روزگاری» یک نوع شاهنامه تصویری است. اگر شما شاهنامه را بخوانید، در آن به صورت دقیق، به جزئیات پرداخته شده، در این سریال هم اینگونه است. آقای سعیدی در صحبت‌های خود اشاره کردند که امریکایتاریخ نداشته خود را با فیلم‌ها وسترن تسکین داده است.»
روزی روزگاری» اصالت هویت و فرهنگ ایرانی را در قالب سبک زندگی نشان می‌دهد. این سریال برخلاف ظاهر خود یک داستان بسیار روان دارد و در عین حال پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.»

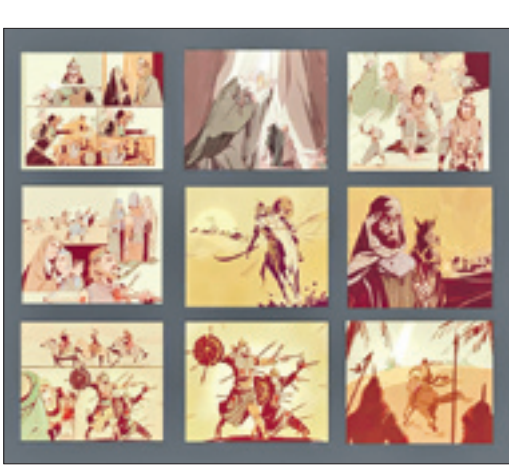
این کارشناس ادامه داد: «در این سریال می‌بینیم که در جایی، واقعیت و خیال با هم ترکیب می‌شوند یا در جایی، واقعیت را به چند روایت نشده است. نمی‌دانم چند سریال تا امروز داریم که در مورد آنها، کتابی منتشر شده باشد؟ همین موضوع، ارزش آن را داشت که مثلاً دو خط به آن پرداخته شود؛ اینکه در مورد سریالی تلویزیونی، کتاب نوشته شود، کار نادی است. حرف من این است که چرا عموم مردم، این کتاب را نخوانند؟ ای کاش، این کتاب مقداری ساده‌تر و روان‌تر بود. ای کاش این کتاب به روایت «خاله لیلیا» بود. خاله لیلیاظوری حرف می‌زند که هم فلافله و هم مردم عادی متوجه می‌شوند. این کتاب، مقداری ویژه افراد بسواد زیاد نوشته شده است.»

کوشکی خاطر نشان کرد: «جغرافیا سریال «روزی روزگاری» ایران فرهنگی است. یعنی اگر این سریال را برای مردم «هرات»، «کابل» و جاهای دیگری مانند آنها نشان بدهیم، آن را متوجه می‌شوند. ای کاش که یک فرصت و توفیقی پیدا شود تا چند خطی را به چنین کتابی اضافه می‌کردم، این سریال را باید از زاویه سبک زندگی که همشده این روزگار ماست، ببینیم. من واقعاً نمی‌دانم که در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران چه تعدادی از اساتید، این توفیق را داشتند که درباره «روزی روزگاری» در کلاس‌های مردم‌شناسی صحبت کنند، باید بدانیم که این سریال، یک آینه سبک زندگی هم است، البته فکر می‌کنم آقای سعیدی در این کتاب گوشه‌هایی فلسفی را ندارد. فکر می‌کنم که قلم این کتاب، مقداری تحت‌تأثیر «غرب‌زدگی» جلال‌ال احمد است و به همین خاطر اگر روان‌تر، ساده‌تر و موجزتر بود، می‌توانست نسل کم‌حوصله امروزی را هم جذب کند تا قدر آن اثر هنری اصیل که سریال «روزی روزگاری» است و سازنده آن امرالله احمدجو را بهتر بدانند.»

سعیدی در پاسخ به نکات مطرح شده توسط کوشکی عنوان کرد: «اگر بخواهم مقداری با شما رو راست باشم، باید بگویم مقداری فضای نویسندگی کتاب، مظلوم است. اگر به‌عنوان فردی که در کتاب نوشته‌شده آمده آزادی عمل بیشتری برای صحبت داشتم. این سوالی که می‌پرسم که چرا «روزی روزگاری» ندام پیدا نمی‌کند؟ مثلاً در سینما «جدایی نادر از سیمین» ساخته می‌شود و یک فضای انتقادی از آن حمایت می‌کند و بعد از چند وقت، «بید و یک روز» ساخته می‌شود و از آن واقه بین مخاطب و اثر است و کارهایی همانند «روزی روزگاری» نیاز به این حلقه واسط و نقد دارند تا با مخاطب ارتباط برقرار کند.»

**«سکه تقدیر» شروع یک مسیر است**
این نویسنده خاطر نشان کرد: «ادبیاتی که بتواند «روزی روزگاری» را نقد کند، تولید نشده است، به‌عنوان فردی که از بیرون به این کتاب نگاه می‌کنم، «سکه تقدیر» شروع یک مسیر است که از این نظر نباید مظلوم واقع شود. در واقع باید به این نکته دقت کنید که امرالله احمدجو به‌عنوان یک نام‌گردان بعد از «روزی روزگاری» خیلی طول نمی‌کشد که صداسوسما کارهای بعدی را هم به ایشان سفارش می‌دهد، اما فکر می‌کنم چون آن ادبیات از سریال روزی روزگاری حمایت نمی‌کند، تبدیل به یک زائر در سینما و تلویزیون نمی‌شود؛ یعنی حتی می‌توانستیم فصل‌های ۲،۳ و ۴ سریال باید ورود کند.»

#### گفت‌وگو



در گفت‌وگوی «جوان»

با بانوی جوان تصویرگر دینی عنوان شد

**کاش می‌توانستم از زیبایی عاشورا**

**با تعبیر حضرت زینب(س) تصویر بکشم**

فاطمه طیبو از هنرمندان اهوازی و از نام‌های آشنا برای تصویرگران دینی است. او سال‌ها در عرصه انیمیشن و تصویرسازی فعالیت داشته است. «قالیچه‌ای برای امام رضا»، انیمیشن کودکانه «حسنی میره به جنوب» برای شهدهای هویزه که هنوز منتشر نشده و چند کار انیمیشن دیگر در صداسوسمای خوزستان از جمله آثار است که او به صورت گروهی تولید کرده است. طیبو در حوزه تصویرسازی و بی نما (کمیک استر پب) مذهبی و انقلابی نیز دست به خلق آثار زیبایی زده که تصویر سازی کتاب خاطرات سفیر از آن جمله است. اگر تصویرسازی‌های عاشورایی را در فضای مجازی دنبال کنید، حتماً آثار فاطمه طیبو را خواهید دید؛ این در حالی است که سه بار پیچ او در اینستاگرام به خاطر درج تصویر سازی‌هایی از سردار سلیمانی بسته شده است. «جوان» با این بانوی تصویرساز گفت‌وگو کرده است.

کارهای کدام هنرمندان را بیشتر دوست دارید؟
اول کارهای متنوع استاد دوست محمدی روح‌الامینی و استاد فرحچیان که نکتاتی را گفته بودند و سرمشق من شدند، مثلاً قبل از خلق هر کاری وضو می‌گرفتند و میز کار شان قبله بود. البته اساتید زیادی در رشد اخلاقی و کاری بنده نقش دارند، ولی پرنگ‌تر از همه اساتاد دوست محمدی مسیر سرمشق‌الگوئی من است.

چه شد که وارد حرفه طراحی و انیمیشن شدید؟
از وقتی به یاد دارم طراحی می‌کردم با طراحی حرف می‌زد و از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کردم. در دوران کودکی بلد نبودم دوست پیدا کنم، اهل حرف زدن نبودم، شاید چون خیلی خجالتی بودم، سرگرم کشیدن نقاشی می‌شدم. همین شد که کم‌کم دیدم بسه طراحی و انیمیشن روی او رده‌ام، البته مادرم هم طراحی‌شان خوب بود و نویسندگی هم می‌کردند که روی من اثر گذاشت، ولی ادامه ندادند.

چه چرا انیمیشن را رها کردید و بسه تصویرسازی و کمیک استر پیپ ورود کردید؟

رها نکردم، موقعیتش پیش نیامده است. در حال حاضر موشن کمیک کار می‌کنم، همانطور که می‌دانید کمیک استر پیپ از انیمیشن دور نیست و به هم نزدیک هستند.

اصلاً کاری را که دوست نداشته باشم، هیچ وقت انجام نمی‌دهم، ولی اثر

مقایسه‌باسایر کارهایم برام دلنشین‌تر است، چون در آن کار جایی که امام حسین(ع) برمی‌گردند، واقعاً احساس کردم تمام وجود نگاهمان کردند و خیلی حس خوبی بود.

**دوست دارید چه صحنه‌ای را تصویرگری کنید که تا حالا انجام ندادید؟**

ارتباط بین عالم غیب و کر بلا و زیبایی‌هایی که از چشم‌ما پنهان مانده است. البته معرفت‌الابلی می‌خواهد من به این ششقد آمدن دانشگاه‌تا این جمله عمیق حضرت زینب(س) را بفهمم و به تصویر بکشم که در تعریف روز عاشورا فرمود به جز زیبایی ندیدم و کاش می‌توانستم این کار را انجام بدهم.

**شما هنرمندی هستید که خیلی شهدایی کار می‌کنید، آیا با شهیددی هم مانوس شده‌اید؟**

برای نماز اول وقت شهیداحمدعلی نیری‌الگوئی من است. کتاب «عارفانه» ایشان خیلی در زندگی‌ام تأثیر داشته است، اما به‌نوعی همه شهیدان در زندگی من نقش دارند؛ نمی‌توانم بگویم کدام شهید بیشتر، کدام کمتر، این ماجرا مثل بالافرتنی بود که شهید دست من و تورا در موقعیتی می‌گیرد و وقتی آن موقعیت تمام می‌شود ما را به شهید دیگری می‌سپرد و به این صورت زندگی می‌سپرد. یک روز معلم شهید دیگری بود. روز دیگر شهید هست، یک روز شهید هاشمی، روزی شهید علم‌الهدی و این اواخر هم خاص تر شهیدصدرزاده (سیدابراهیم) بوده است.